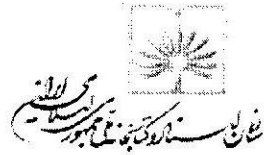


# شمع فانوس

سراپنده:  
www.ketab.ir  
ابوالقاسم کورد ز تلمه جردی  
فانی



سرشناسه	: گودرز تلهجردی، ابوالقاسم، ۱۳۲۹
عنوان و نام پدیدآور	: شمع فانوس/سراینده ابوالقاسم گودرز تلهجردی (فانی).
مشخصات نشر	: تهران : صبا، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۴ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۸۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: ۲۰th century-Persian poetry
رده بندی کنگره	: PIR۸۱۹۲
رده بندی دیویی	: ۸۴۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۱۶۰۱۷

www.ketab.ir

## شمع فانوس

سراینده : ابوالقاسم تله گودرز تله جردی (فانی)

نوبت چاپ : اول - بهار ۱۴۰۳

شمارگان : یکصد نسخه

قطع کتاب : رقعی

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۸۲-۹

ناشر : انتشارات صبا - خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نایب \_ ۳۳۱۱۹۹۵۵

قیمت : ۱۵۰۰۰۰ تومان



## فهرست مطالب

- پیشگفتار ..... ۹
- شرح حال مؤلف ..... ۱۱
- لطف کردگار - شرح حال ..... ۱۳
- سودای تو ..... ۱۵
- عکس روی تو ..... ۱۶
- نثار تو ..... ۱۷
- در شاخسار بوستان ..... ۱۸
- سرور آزادگان ..... ۱۹
- آواز مرغ خوش خوان ..... ۲۰
- شوق وصال ..... ۲۱
- صدها دل و جان ..... ۲۲
- دل‌گشته غمگین ..... ۲۳
- در باغ دل ..... ۲۴
- دریغا ..... ۲۵
- در قلمز زمانه ..... ۲۶

- ۲۷.....چو آبی در خیالم
- ۲۸.....کشته عشق
- ۲۹.....عشق تو
- ۳۰.....چون درای کاروان
- ۳۱.....آفتاب زر تار
- ۳۲.....در دام عشق
- ۳۳.....سرو خرامان
- ۳۴.....در حسرت تو
- ۳۵.....چون لاله داغ دارم
- ۳۶.....ای بی وفا
- ۳۷.....آب تشویر
- ۳۸.....نشان از تو
- ۳۹.....مرغ بوستان
- ۴۰.....باد شیگیر
- ۴۱.....غم جدایی
- ۴۲.....دل بی تو
- ۴۳.....غم فراق
- ۴۴.....رهرو دل
- ۴۵.....آه آتش بار
- ۴۶.....سرو ناز
- ۴۷.....حال خراب
- ۴۸.....صیاد من

- ۴۹..... شام هجران
- ۵۰..... شمع فانوس
- ۵۱..... رها کن دلم را
- ۵۲..... زلف پریشان
- ۵۳..... زنجیر غم
- ۵۴..... مرغ شبخون
- ۵۵..... داغ هجران
- ۵۶..... دوری مکن
- ۵۷..... غم عشق
- ۵۸..... در باغ گل
- ۵۹..... چون کنم
- ۶۰..... در این دریا
- ۶۱..... از سیل اشک
- ۶۲..... غم هجران
- ۶۳..... غم‌های تو
- ۶۴..... شب آمد
- ۶۵..... غم افزون مکن
- ۶۶..... بر در میخانه
- ۶۷..... کوی وصال
- ۶۸..... همچو زهره
- ۶۹..... خاک رهگذر
- ۷۰..... دل عاشق

- ۷۱..... بسوز ای دل
- ۷۲..... ره عشق
- ۷۳..... نسیم کوی تو
- ۷۴..... موج طوفان
- ۷۵..... ز داغ او
- ۷۶..... کجا من جویمت
- ۷۷..... حریم وصل
- ۷۸..... در ره جانان
- ۷۹..... ز رُخسارش
- ۸۰..... از دلم فغان برخیزد
- ۸۱..... هجر یار
- ۸۲..... دلبر طناز
- ۸۳..... آرزوی تو
- ۸۴..... بانگ آنالحق
- ۸۵..... در دل عاشق
- ۸۶..... رخسار او
- ۸۷..... گرد غم
- ۸۸..... خون دل
- ۸۹..... بانگ درایی
- ۹۰..... یک دلی دارم
- ۹۱..... زورق عشق
- ۹۲..... جلوه رویش

- ۹۳..... شوق رویش
- ۹۴..... ای نثار تو
- ۹۵..... بگذر از شب
- ۹۶..... شیدای رُخش
- ۹۷..... بال مُرغ جان
- ۹۸..... گوهر یکدانه
- ۹۹..... شد روان اشکم
- ۱۰۰..... یار مهربان
- ۱۰۱..... غم منخور
- ۱۰۲..... چراغ جان
- ۱۰۳..... صبح روشن
- ۱۰۴..... باد صبا
- ۱۰۵..... مثنوی
- ۱۰۶..... ضمیر کُن فِکَان
- ۱۱۰..... خاک لیلی
- ۱۱۴..... آواز مرغان چمن
- ۱۱۶..... ای آسمان
- ۱۱۷..... سرای امید
- ۱۱۸..... سرای دلیران
- ۱۱۹..... وقت نماز
- ۱۲۰..... تو را آفرین
- ۱۲۱..... در آسمان عشق

- ۱۲۲ ..... ایران من
- ۱۲۳ ..... خالق عرض و سماوات
- ۱۲۴ ..... دانای اسرار
- ۱۲۶ ..... خالق لیل و نهار
- ۱۲۷ ..... پریشان عالمی دارم
- ۱۲۸ ..... باد بهاری
- ۱۲۹ ..... بیا ساقی
- ۱۳۱ ..... ای یاد تو درمانم
- ۱۳۲ ..... دریا بود در انتظار
- ۱۳۳ ..... موج خون
- ۱۳۴ ..... در بهاران



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### پیشگفتار

از غم ادبیات پهناور و گرانبار فارسی بیش از هزار سال می‌گذرد. در این مدت کشور ایران فراز و فرودها و کام و ناکامی‌های بسیار دیده و دوران‌های تلخ و شیرین زیادی را پشت سر گذاشته است، در زمینه‌های گوناگون دانش‌های بشری تلاش‌ها کرده و تجربه‌ها اندوخته و از جهان پر رمز و راز علم و دانش ره‌آوردهای بسیار با ارزش و ماندگار به جامعه انسانیت پیشکش کرده‌اند و از همین رهگذر بوده است که قرن‌ها، یافته‌ها و تجربه‌ها و علوم و دانش مسلمین به ویژه مسلمانان ایران چشمان کنجکاو جهانیان را خیره کرده و به خود مشغول داشته است.

ادبیات پُر بار فارسی جلوه‌گاه راستین انعکاس تلاش‌های هزار ساله مردم مسلمان فارسی زبان در زمینه‌های گوناگون هنر و معارف از حماسه و داستان‌های دلکش و جذاب و

تاریخ و افسانه و سیر و تطهیر و تفسیر قرآن و علم و عرفان و فلسفه و اخلاق است. و از این رو، گویی از لحاظ گستردگی در مفاهیم و اشتغال بر انواع ادبی به رود پُر آب و پهناور و زلال می ماند که عطش هر تشنه ای را با هر ذوق و سلیقه ای که باشد فرو می نشاند، و این معنا را باید در انگیزه های اصیل این فرهنگ ادبیات اسلامی جستجو کرد.

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## شرح حال مؤلف

اینجانب ابوالقاسم گودرز در هفتم مهرماه سال هزاروسیصدوبیست و نه در روستای تله جرد علیا از توابع شهرستان ملایر دیده به جهان گشودم.

تا زمانی که شانزده سالم بود در روستا بودم و یک بار هم به شهر نیامده بودم. تا سال هزاروسیصد و چهل و هفت که برای کار ساختمانی آمدم تهران و برای این کار، نزد برادرانم شاگرد بنا شدم.

در سال ۱۳۳۹ یا ۱۳۴۰ که در روستا بودیم، اول زمستان شخصی به نام سلطانی از شهر همدان به روستای ما آمد و کلاس درسی تشکیل داد و ما حدود ده نفر بودیم که نزد وی درس می‌خواندیم و هر ماه پنج تومان به عنوان حق‌التدریس به او می‌دادیم.

به دلیل اینکه آقای سلطانی منزل و مأوایی نداشت، هر شب و روز مهمان یکی از شاگردها بود. تا نزدیکی های عید به ما درس می‌داد، آنهم نه بطور دائم، زیرا بعضی وقتها می‌رفت سری به خانواده اش می‌زد.

هنگام عید نوروز آقای سلطانی خداحافظی کرد و به همدان رفت و درس خواندن ما هم به اتمام رسید، و متأسفانه هیچ

مدرکی ندارم، حتی مدرک کلاس اول.  
در سال چهل و هفت که به تهران آمدم بعد از دو سال کار  
بنایی را یاد گرفتم و در زمستان سال ۱۳۴۹ به خدمت سربازی  
رفتم. بعد از دو سال که برگشتم، در تهران به کار بنایی مشغول  
شدم.

در سال ۱۳۵۷ شروع کردم به شعر گفتن. بیشتر دوبیتی و  
نوحه می گفتم برای هیأت‌های مذهبی.

در سال ۱۳۸۳ شعرهایم را در کتابی به نام پروانه ای در آتش  
در هشتاد صفحه به چاپ رساندم. بعد از آن باز هم شعرهایی که  
می سرودم به کتاب پروانه ای در آتش اضافه کردم به اسم دیوان  
فانی در صد و پنجاه صفحه که دارای ششصد و هشتاد و چهار  
غزل و مثنوی، دو بیست و بیست و سه، دو بیتی و چهل و پنج  
رباعی که در سال هزار و چهارصد و یک توسط انتشارات صبا به  
چاپ رساندم و این کتاب را هم بنام شمع فانوس به مدت یک  
سال از تابستان هزار و چهارصد و یک تا تابستان هزار و چهارصد  
دو سرودم.

**ابوالقاسم گودرز فانی**